



Quaderni di Meykhane VIII (2018)

Rivista di studi iranici. Collegata al Centro di ricerca in "Filologia e Medievistica Indo-Mediterranea" (FIMIM)
Università di Bologna 1397/2018 دفترهای میخانه ISSN 2283-3072

website: <http://meykhane.altervista.org/chisiamo.html>

cod. ANCE (Miur-Cineca) E225625

سیری در جهان داستان نویسی نویسندگان زن مهاجر ایرانی (نسل اول)

مریم حسینی

چکیده: آغاز مهاجرت نویسندگان زن از ایران به کشورهای دیگر بیشتر در سالهای پس از انقلاب اسلامی بوده است. بالاترین میزان مهاجرت میان سالهای 1358 تا 1370 هجری شمسی، و نخستین کشورهای انتخابی ایشان برای اقامت به ترتیب امریکا، کانادا، فرانسه، آلمان و انگلستان بوده است. نویسندگان مهاجر نسل اول مهشید امیر شاهی، گلی ترقی، روح انگیز شریفیان، مهرنوش مزارعی، نهال تجدد، سودابه اشرفی نویسندگانی هستند که موضوعات رایج ادبیات مهاجرت در آثارشان پررنگ است. «نوستالژیا و غم غربت» همراه با طرح مسائل و مشکلات مهاجران در سرزمین مقصد، «تقابل خود و دیگری» و «بحران هویت» مهمترین درونمایه داستانهای ایشان است. برخی از این داستانها هم در ژانر «ادبیات زندان» و یا «ادبیات در تبعید» نگاشته شده است. بدیهی است این ویژگیها در آثار ادبی نسل دوم مهاجران بسیار متفاوت با نسل اول است.

واژه های کلیدی: نویسندگی زنان، نویسندگان مهاجر، ادبیات مهاجرت، نسل اول مهاجران.

Riassunto. L'inizio della migrazione di donne scrittrici dall'Iran verso altri paesi ha avuto luogo soprattutto negli anni successivi alla rivoluzione islamica. I più alti tassi di immigrazione furono tra il 1979 e il 1992, e i paesi di residenza prescelti sono stati nell'ordine Stati Uniti, Canada, Francia, Germania e Regno Unito. Le scrittrici migranti della prima generazione come Mahshid Amir Shāhi, Goli Taraqqi, Ruhangiz Sharifiān, Mehrnush Mazāre'i, Nahāl Tajaddod, Sudābé Ashrafi sono le scrittrici in cui le tematiche correnti nella letteratura d'emigrazione sono più evidenti. "Nostalgia e dolore dell'esilio", insieme con i problemi dei migranti nel paese di destinazione, l' "opposizione tra il sé e l'altro" e la "crisi di identità" sono i temi più rilevanti delle loro storie. Alcune di queste storie sono scritte nell'ambito specifico della "letteratura carceraria" o della "letteratura d'esilio". Ovviamente, queste caratteristiche sono molto diverse nelle opere della seconda generazione di migranti rispetto a quelle della prima.

Parole chiave. Scrittura di donne, scrittori migranti, letteratura d'emigrazione, prima generazione di emigrati.

مقدمه

تعریف مهاجرت

مهاجرت به معنی ترک سرزمین، وطن و دیار مادری خود به سرزمین (شهر و یا کشور) دیگر و اسکان و زندگی در آن به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر خود می‌باشد. این اهداف می‌تواند اقتصادی، سیاسی و یا دینی باشد.

مهاجرت (به عنوان جابه‌جایی مردم از مکانی به مکانی دیگر برای کار یا زندگی) پدیده جدیدی نیست و اولین انسانهای روی زمین هم به نوعی این پدیده را تجربه کرده اند. اگر چه ماهیت مهاجرت از همان روز اول تا امروز یکسان است اما دلایلی که این مهم را رقم می‌زند در هر جامعه و زمان متفاوت است.

ادبیات مهاجرت

سه اصطلاح ادبیات آوارگی، ادبیات تبعید و ادبیات مهاجرت گاهی به جای هم به کار می‌روند. اولین اصطلاح ادبیات آوارگی است که از لغت یونانی Diaspora گرفته شده است. این لغت یونانی از دو بخش تشکیل شده و به معنای پراکندن است. مثل دانه های گیاه که باد آن را می‌برد و پراکنده می‌کند. Literature of Diaspora را ادبیات آوارگی ترجمه کرده اند.

ادبیات تبعید Exile Literature زمانی شکل گرفت که عده‌ای از نویسندگان و یا رهبران سیاسی برخی کشورها به جاهای دیگر تبعید شدند. بویژه در سالهای 1950 میلادی که به دهه نسیم آزادی مشهور است و کشورهای آسیایی و آفریقایی یکی پس از دیگری استقلال خود را به دست آوردند، اما پس از استقلال نیز با وقوع کودتاهایی، بسیاری از نویسندگان این کشورها تبعید شدند و ادبیات تبعید گسترش بیشتری یافت.

اما ادبیات مهاجرت Literature of migration بیشتر در مورد مردمان جهان سوم مانند ایرانی‌ها، هندی‌ها و آفریقایی‌هایی که به کشورهای پیشرفته ای مثل فرانسه و آمریکا رفتند و هم اکنون بین کشورهای خودشان و سرزمین های مقصد رفت و آمد می‌کنند بکار می‌رود. در این مورد مسأله تبعید مطرح نیست بلکه جا به جایی جغرافیایی منظور است.

نویسندگان زن ایران

از همان آغاز شکل گیری ادبیات داستانی نوین ایران یعنی پس از سالهای 1300 شمسی، زنان نویسنده شروع به نوشتن کردند و همراه و در کنار مردان نویسنده روایت‌های خود را که موضوع آن معمولاً در دهه‌های نخست شکایت از وضعیت زندگی زنان و محدودیت‌های ایشان بود آغاز کردند. اما با گسترش و روند داستان نویسی در ایران هم بر تعداد ایشان افزوده شد و هم زنان فرصت یافتند تا در انواع موضوعات داستانی و مکتب های ادبی قلم بزنند و موفق به آفریدن شاهکارهایی چون *سوشون* (1345) اثر سیمین دانشور شدند. در سالهای پس از انقلاب کمیت و کیفیت داستان نویسی زنان با سرعت هرچه بیشتر شتاب یافت و تعداد نویسندگان زن ایرانی نزدیک به تعداد مردان نویسنده شد و در مسابقات داستان نویسی نیز گوی سبقت را از مردان ربودند.

زنان در داستانهایشان بیشتر از خود گفته اند و در لا به لای گفتگوهای درونی و بیرونی حوادث داستان در جستجوی هویت گمشده و ناشناخته خود بوده اند. شناخت خود همواره با تعریفی از زن و زنانگی هم همراه بوده است. جنسیت در رمان های زنان نقش مهمی در شناخت روحی شخصیت ها دارد.

نویسندگان زن مهاجر

آغاز مهاجرت نویسندگان زن از ایران به کشورهای دیگر بیشتر در سالهای پس از انقلاب اسلامی بوده است. بالاترین میزان مهاجرت میان سالهای 1358 تا 1370 هجری شمسی، و نخستین کشورهای انتخابی ایشان برای اقامت به ترتیب امریکا، کانادا، فرانسه، آلمان و انگلستان بوده است. نویسندگان مهاجر نسل اول مهشید امیر شاهی، گلی ترقی، روح انگیز شریفیان، مهرنوش مزارعی، نهال تجدد و سودابه اشرفی نویسندگانی هستند که موضوعات رایج ادبیات مهاجرت در آثارشان پررنگ است. نوستالژی و غم غربت همراه با طرح مسائل و مشکلات مهاجران در سرزمین مقصد، تقابل خود و دیگری و بحران هویت مهمترین درونمایه داستان‌های ایشان است. برخی از این داستانها هم حکم «ادبیات در تبعید» را می‌یابد.

زبان داستان‌های نویسنده زن مهاجر

نوشتن به زبان فارسی و یا نوشتن به زبان میزبان در میان زنان داستان نویس دیده می‌شود. دسته‌ای از این نویسندگان مهاجر که مترجم داستان‌ها و رمانهای خارجی هستند بیشتر به زبان دوم یعنی زبان کشور مقصد (انگلیسی، فرانسه یا آلمانی) داستان می‌نویسند، در حالیکه جمعی از ایشان به نگارش به زبان فارسی وفادار مانده‌اند.

از جمله موفق‌ترین این آثار که به زبان انگلیسی و در آمریکا انتشار یافته رمان *لولیتاخوانی* در تهران اثر آذر نفیسی است که به سی و دو زبان ترجمه شده است. *پرسپولیس* اثر مرجان ساتراپی که به زبان فرانسه نوشته شده بیش از دویست هزار نسخه در فرانسه فروش داشته و به صورت فیلم انیمیشن درآمده، و تعدادی از نمایشنامه‌ها و آثار داستانی فهیمه فرسایبی که به زبان آلمانی نوشته شده در خارج از ایران بر روی صحنه رفته و جوایزی دریافت کرده است. مجموعه داستان فرسایبی در سال 1988 برنده جایزه بورس ادبی هاینریش بل از کشور آلمان شده است.

اما حجم بزرگ آثار نویسندگانی که به فارسی می‌نویسند در ایران منتشر شده و گلی ترقی، شهرنوش پارسی پور و روح انگیز شریفیان از جمله مشهورترین و موفق‌ترین ایشان هستند. برخی از این آثار برگزیده مهم‌ترین جوایز داستان نویسی کشور چون جایزه گلشیری، صادق هدایت و مهرگان ادب بوده‌اند. رمان‌هایی چون *چه کسی باور می‌کند رستم* از مهرانگیز شریفیان، *غریبه‌ای در اتاق من* از مهرنوش مزارعی از آن دسته‌اند.

الف) انواع داستانی نویسندگان زن مهاجر

در میان دسته‌ای از زنان نویسنده مهاجر پس از انقلاب نویسندگانی هستند که در موضوع‌های مرسوم ادبیات مهاجرت قلم زده‌اند. از منیرو روانی پور داستانی با مضمون مهاجرت منتشر نشده است. شهرنوش پارسی پور پس از مهاجرت رمان *شیوا* را می‌نویسد که در ژانر علمی-تخیلی نوشته شده و درونمایه‌ای سیاسی دارد. البته نویسنده در ابتدای این کتاب به مصائب نویسنده در مهاجرت و فقر و تنهایی او پرداخته است. این اثر همچنین از نظر نوشتن آزادانه و به دور از خودسانسوری قابل توجه است. البته اگر ادبیات زندان را هم از زیر مجموعه‌های ادبیات مهاجرت قرار دهیم می‌توانیم از *خاطرات زندان* پارسی پور یاد کنیم.

اما دسته‌ای دیگر که داستان مهاجرت نوشتند در ابتدا نگارش داستانهایی واقع‌گرا را آغاز کردند که در مواردی بیشتر حالتی گزارشی به خود می‌گرفت. نحوه زندگی مهاجران، مسائل و مشکلات اقتصادی و اقامتی و روابط با مردم کشور جدیدی که در آن زندگی می‌کنند از مهمترین موضوعات داستانی این مرحله است. بیشتر داستان‌های این حوزه از ادبیت به دور، و سهم تخیل و تکنیک در آن ضعیف است. با گذر زمان و چاپ آثار نویسندگانی چون

شریفیان در دو رمان چه کسی باور می‌کند رستم و کارت پستال و سودابه اشرفی در رمان ماهی‌ها در شب می‌خوابند و مجموعه داستان فردا می‌بینمت و مهرنوش مزارعی در مجموعه داستان خاکستری نمونه‌های هنرمندانه‌ای از ادبیات مهاجرت زنان منتشر شد که جوایز گلشنی و هدایت را به خود اختصاص داد. جا به جایی جغرافیایی، نویسنده و هنرمند را با تجربیات تازه‌ای رو به رو می‌کند که در آثارش انعکاس می‌یابد. در ادبیات مهاجرت، صحبت از فضا و زبان شخصیت‌ها و ساختار متفاوت داستانی است. یعنی عناصر داستان مهاجرت مختص همین ژانر داستانی است.

1- ژانر اتوبیوگرافی یا خودزندگی‌نامه نویسی و خاطره نویسی

«در دهه اخیر، خوانندگان ادبیات انگلیسی در غرب شاهد افزایش انفجاری یادنگاشت‌ها و رمان‌هایی بوده‌اند که به قلم زنان مهاجر ایرانی و درباره فرهنگ و هویت ایرانی پدید آمده‌اند. در این دهه، زنان مهاجر ایرانی، به ویژه در ایالات متحده، با وسعت و شتاب بی‌سابقه به نگارش به زبان انگلیسی روی آورده و کوشیده‌اند تا صدای ویژه خود را در میان صداهای مربوط به دیگر اقلیت‌های قومی-فرهنگی به خوانندگان انگلیسی زبان بشناسانند. این انفجار ادبی تا حدودی معلول به صحنه آمدن نسل دوم مهاجران ایرانی بوده است که برخلاف والدین خود به زبان انگلیسی سخن گفته و کمابیش عضوی از جامعه فرهنگی غرب شده‌اند. البته، همانطور که پژوهشگران اشاره کرده‌اند، دلیل روشن‌تر این پدیده در سال‌های پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر، بالا گرفتن کم سابقه تنش میان غرب و اسلام و به دنبال آن حضور همیشگی خاورمیانه، به ویژه ایران، در سرخط اخبار رسانه‌های غربی بوده است» (مردی و همکار، 1393: 104) البته در اینجا لازم به یادآوری است «نسل دوم در مورد ایرانیانی به کار گرفته شده است که از نظر اداره مهاجرت آمریکا به عنوان مهاجر (مقیم یا شهروند) طبقه بندی شده‌اند اما در عمل نقش مهمی در جریان مهاجرت خود به آمریکا نداشته‌اند. این گروه یا به همراه والدین خود در سنین کودکی و نوجوانی به آمریکا مهاجرت کرده‌اند و یا در این کشور تولد یافته‌اند اما بیشتر در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در آنها غلبه قابل ملاحظه دارد.» (مدرسی، 1393: 172-173)

داستان *عطر سنبل*، *بوی کاج* از فیروزه جزایری دوما یکی از این داستانهای نسل دوم است.¹ اما داستانهای دیگری از نویسندگان نسل اول به زبان فرانسه و یا زبانهای دیگر نیز در این میان نوشته شدند که شهرت جهانی یافتند. رمان *پرسپولیس*² نوشته مرجان ساتراپی به شیوه اتوبیوگرافی بوده و شخصیت اصلی رمان که راوی داستان است، دختری ایرانی به نام مرجان است. مرجان دختری است که در جریان انقلاب ایران و بحران جنگ ایران و عراق به تشویق خانواده از کشور خارج می‌شود و به اتریش می‌رود. این کتاب‌ها روایت جنگ و آوارگی، زندگی مهاجری در اروپا، بحران‌های مذهبی و سنتی جامعه ایران و حوادث انقلاب و جنگ هستند و تاریخ دهه بعد از جنگ ایران را از دید وی بیان می‌کنند.

شالی به درازای جاده ابریشم (1384) از مهستی شاهرخی، مجموعه داستان دو دنیا از گلی ترقی. چه کسی باور می‌کند رستم از روح انگیز شریفیان از جمله داستانهای خاطره نویسی و یا اتوبیوگرافی هستند.

2- ادبیات زندان

داد بی‌داد خاطرات ویدا حاجبی از هفت سال شکنجه در زندان‌های زمان محمدرضا شاه در ایران است. همچنین *خاطرات زندان* نوشته شهرنوش پارسایی پور خاطرات وی از حبس در زندان‌های ایران در سالهای پس از انقلاب است. تعداد کتابهای خاطرات زندان که توسط ناشران خارجی مثل نشر باران در سوئد منتشر شده‌اند بسیار است.

¹ این رمان در ایران ترجمه شد و مورد استقبال بسیار قرار گرفت.

² این رمان از طرف برخی منتقدان اثری ضد اسلامی و ضد ایرانی شناخته شده است.

«و در اینجا دختران نمی میرند» اثر نویسنده ای به نام شهرزاد است که انتشارات نور در ونکوور کانادا در سال 1996 به چاپ رسانده است. نویسنده در این اثر به شرح شکنجه ها و تجاوزها با توصیف جزئیات آن پرداخته است. این کتاب در سال 1377 نیز توسط انتشارات خاوران در فرانسه به چاپ دوم رسیده است. رسیدن به آگاهی جنسیتی و مبارزه با کلیشه های جنسیتی فرهنگ مردسالار در کنار مبارزه ی سیاسی زنان زندانی، در این اثر حائز اهمیت است.

3- ادبیات تبعید

تبعیدی فردی است که به میل خود سرزمینش را رها نمی کند و نقش چندانی در اقامت خود در سرزمین دیگر ندارد. ادبیات تبعیدی ادبیاتی است که توسط این نوع مهاجران در مورد مهاجرت های اجباری نوشته می شود. برای نمونه *رمان در سفر* مهشید امیرشاهی نمونه ادبیات تبعیدی است. *رمان در سفر* امیرشاهی سراسر خشم نویسنده در تبعید را باز می نماید. امیرشاهی در این مجموعه داستان روایت داستان زندگی آدمهای در تبعید را می کند. «هیچ واقعه ای بیش از مرگ یک تبعیدی دیگر بقیه تبعیدیان را به فکر غربت نمی اندازد؛ به فکر زندگی در غربت و مردن در غربت.» (امیرشاهی، 5)

از کجا تا ناکجا (خاطرات تبعید 1388/2010) خاطرات کیان کاتوزیان همسر علی اصغر حاج سیدجوادی از فرار از تهران است. وی این خاطرات را *خاطرات در تبعید* نام می نهد زیرا خانواده وی به اجبار وطن را ترک می کنند.

ب) درونمایه های داستان های زنان مهاجر

مهمترین درونمایه داستان های این زنان نوستالژی، غم غربت و تنهایی به عنوان مهاجر و همچنین به عنوان یک زن است. گرایش های فمینیستی در آثار بیشتر نویسندگان دیده می شود. همچنین انتقاد از وضعیت سیاسی اجتماعی و چگونگی زندگی نویسندگان و زنان در ایران از موضوعات داستان های مهاجران زن است.

1- نوستالژیا و غم غربت

«مفهوم نوستالژیا یکی از مشخصه های برجسته ادبیات مهاجر، بالاخص ادبیات مهاجرت ایران است. نوستالژیا را از مفاهیم ساختاری ادبیات مهاجرت می دانیم، چرا که موضوع، زبان، لحن اثر و از همه مهمتر هویت سوژه را تحت الشعاع قرار می دهد.» (احمدزاده، 1391: 12)

دو *رمان چه کسی باور می کند رستم روح انگیز شریفیان* و *رمان دو دنیا* از گلی ترقی نمونه های خوبی برای وجود این نوع درونمایه ها هستند. *رمان دو دنیا* با این پرسش آغاز می شود: «من اینجا چه کار می کنم؟... کجا هستم؟» در این *رمان* او هیچ شباهتی میان خود و دیگران احساس نمی کند و در تلاش برای فرار است: «به باغ شمیران فکر می کنم، به درختان تبریزی که همبازی های من بودند، به مجسمه های گچی توی باغچه ها...» (ترقی، 1394: 11) تمام فصل های کتاب نقل خاطرات راوی از روزهای شاد کودکی است که در ایران گذرانده است. در سرتاسر کتاب حسرت راوی بر روزهای گذشته و از دست رفته را می توان یافت.

رمان چه کسی باور می کند رستم خانم روح انگیز شریفیان *رمان مهاجرت* است. *رمان شریفیان* نوستالژی عمیقی دارد که آن حسرت از دست دادن عشق قدیمی است که یادآور همان سرزمین مألوف نویسنده است. نام *رستم* بر این مفهوم دلالت دارد. نویسنده *رمان چه کسی باور می کند رستم* در سال 1383 برنده جایزه گلشیری می شود. در این *رمان* کشمکش های درونی و بیرونی نسل اول زن مهاجر در روبرو شدن با زندگی در غربت و ارتباط عمیق احساسی با گذشته تا مرحله از دست دادن بخشی از آن به تصویر کشیده می شود.

2- تنهایی

از مضامین رایج داستانهای زنان در میان زنان مهاجر مضمون تنهایی است. راوی داستان که معمولاً زن است از تنهایی عمیق و گسترده ای می‌گوید که در تمام لحظات زندگی احساس می‌کند. راوی داستان غریبه ای در اتاق من³ یکباره از خواب برمی‌خیزد و همسر خود را که مردی خارجی است در رختخواب خود می‌بیند و نمی‌شناسد. احساس غریبگی و تنهایی بر او غالب می‌شود. «به طرف چپ که چرخیدم گرمی جسمی را زیر بازوی راستم احساس کردم. ... ناگهان نگاهم به صورت غریبه ای افتاد که در کنارم و در فاصله ای نزدیک خوابیده بود... جیغ کوتاهی کشیدم.» (مزارعی، 1382: 40)

راوی داستان شالی به درازای جاده ابریشم هم زنی است که با مردی خارجی زندگی می‌کند اما این تنهایی را تاب نمی‌آورد و همواره از درد معده می‌نالند و یا می‌گریند. «حوصله ندارم. ... حوصله نگاه کردن به عکس مجلات یا دفتر تلفن را ندارم. تنهاییم. باز تنهاییم. هنوز تنهاییم. دوباره تنهاییم.» (شاهرخی، 1374: 188)

غریبگی و تنهایی در سرزمین میزبان در بیشتر آثار زنان مهاجر دیده می‌شود. در رمان کارت پستال مهرانگیز شریفیان مرحله بعدی زندگی مهاجر در تلاش برای کنار آمدن با واقعیت‌های مهاجرت و پذیرش زندگی جدید را به همراه از دست دادن‌ها و عبور از سنت‌ها تجربه می‌کند. در این اثر شریفیان به دوگانگی ایجاد شده میان نسل اول و دوم مهاجرین می‌پردازد. «می‌دانست زندگی اش همان کارت پستال‌هایی بود که همه ی یادهايش را در آنها ریخته بود. که دنیا را کوچک کرده و در آنها جای می‌داد. دانه دانه خاطراتش را روی آنها می‌چید، گوشه هایش را به هم می‌رساند و کارتی درست می‌کرد که تصویری از زندگی باشد.» (شریفیان، 1390: 264)

این حس تنهایی و دلنگی در زندگی خانوادگی در رمان چه کسی باور می‌کند رستم شریفیان نیز بازتاب دارد. «گذشته از غم غربت و مهاجرت که دوست جوان اهل چکسلواکی مقیم پاریس وی و خیلی‌های دیگر در آن باوی شریک اند، احساس بیگانگی و غربت در خانه با همسر و دخترش نیز او را آزار می‌دهد. او زنی است که در زندان ازدواج اسیر شده و مجبور به گذراندن باقیمانده سال‌های عمر خود با مردی است که دیگر با او آشنا نیست. دخترش ستاره هم چون ستاره‌های آسمان از او دور است و اختلاف فرهنگی شدیدی با مادر دارد. ستاره دیگر يك انگلیسی است و خود را در فرهنگ کشوری که در آن بدنیا آمده حل کرده است ولی مادر (شیرین) خود را ایرانی می‌داند و می‌خواهد جشن عید نوروز را برگزار کند.» (حسینی، 1384: 98). این تنهایی به شدت در رمان میهن شیشه ای فرسایي هم به چشم می‌خورد. راوی تنها عروسکی متکایی را برای خود ساخته تا تنهایی عمیقش را با حرف زدن و درد دل کردن با او جبران کند. (فرسایي، 1370: 3)

3- تقابل خود و دیگری در جامعه میزبان

مهاجران همواره میان خود و دیگری فاصله‌ای عمیق احساس می‌کنند و از اینکه از طرف میزبان فهمیده نمی‌شوند در رنج‌اند. داستان تاپ تاپ خمیر (در مجموعه تیمار غریبان) مرضیه ستوده نمونه ای از این دست داستانهاست. این داستان در سال 1382 برنده جایزه ادبی صادق هدایت شد. در این داستان راوی که پرستاری پیرمردی به نام آقای میلر را به عهده دارد بسیار محبت آمیز نزدیکی با وی برقرار می‌کند و پیرمرد در وصیت نامه اش بخشی از ثروت خود را به نام وی می‌کند. پسران آقای میلر که هیچگاه احوال پدر را نمی‌پرسند پس از مرگ وی و بعد از باخبر شدن از مفاد وصیت نامه تهمت‌های بسیاری به این پرستار ایرانی می‌زنند تا او را از سهم‌الارث محروم کنند. تقابل شدید فرهنگی میان راوی مهاجر با فرهنگ غالب جامعه میزبان مسئله اصلی داستان ستوده است. شب‌های

³. داستان در نوشتار پیش از چاپ در ایران غریبه ای در رختخواب من نام داشت.

آخر مرگ پیرمرد راوی اتاق را با شمع های خوشبوی بهار نارنج تزیین می کند و به جرم همین کار بازخواست می شود.

«می پرسد شمع ها چی؟ می گویم، خب شب های آخر خیلی عزیزاند. آدم باید دل بکند از این دنیا، با همهی دارمکافات اش. سخت است دل بکند و پر بکشد. خب بهتر است به طبیعت نزدیک باشد. بوی بهارنارنج، آرام شان می کند. بعد طوری نگاهم می کند که انگار خودش هرگز نخواهد مُرد. گفت: - "واضح تر حرف بزن". من نمی توانم دار مکافات را ترجمه یا جایگزین کنم. هر چه حرف بزنم گیج تر می شود.» (ستوده، 1336: 3) در داستان *نو دنیا* ی گل ترقی نیز راوی حس بیگانگی عجیبی دارد. «تمام فصل اول کتاب به تصویرسازی این سردرگمی و عدم تعلق می گذرد. فضای بیرونی بیگانه است و او هیچ شباهتی بین خود و دیگران احساس نمی کند و در تلاش برای فرار است: "من شبیه اینها نیستم. غیرممکن است."» (ترقی، 1394: 13) (احمدزاده، 1391: 14)

زنانی که در سرزمین مادری شکل گیری فردیت و هویت زنانه شان مختل شده است، اکنون در سرزمین دیگری با معضل ناسازگاری فرهنگی و بی هویتی از منظر هویت جمعی نیز رو به رو شده اند. آنان از یک سو با «خود» بیگانه اند و از سوی دیگر با جامعه ای که در آن احساس بیگانگی می کنند. بدیهی است زنانی که در گفتمان مردمحور جامعه ایرانی سرکوب شده و با کوله باری از ترس و تحقیر و سرخوردگی راهی دیار غربت شده اند، راه دشوارتری برای خودیابی و پذیرفته شدن به عنوان یک فرد مستقل در سرزمین مقصد، پیش رو دارند. در داستان مهاجرت از مجموعه داستان های *فهمه فرسایی* با عنوان *عکس جمعی صدای زن تنها شنیده می شود*: «اینجا کجاست؟ من اینجا چه می کنم؟» (142: 1368) در داستان *لطفای یک فنجان قهوه با شکر* از همین مجموعه زن در قهوه فروشی مورد اهانت و تحقیر فروشنده زن و مرد آلمانی قرار می گیرد و با هراس و وحشت قهوه فروشی را ترک می کند. زن همراه با قهوه اش درخواست یک بسته شکر اضافی می کند و زن فروشنده با صدایی بلند و قیحانه به او می گوید: «خیال کردی با دو مارک همه مغازه را خریده ای؟ من شما خارجی ها را می شناسم آمدید از پول مالیات ما خودتان را پروار کنید، کار و خانه و همه امکانات ما را از چنگمان خارج کنید و...» (همان، 156)

4- انتقادات سیاسی اجتماعی فرهنگی از سرزمین مبدأ

یکی از مسائلی که معتنابه بسیاری از نویسندگان مهاجر ایرانی در سرزمین های غربی شده است نوشتن خاطرات ایشان است به همراه نقد باورها و سنت های ایرانی که همراه با جهت گیری حاوی نگاهی ضد ایرانی هم هست. برخی نویسندگان ارزشهای سنتی و فرهنگی سرزمین خود را نادیده می گیرند و کاملاً با نگاهی غربی به گذشته خود می نگرند. از آثاری با این ویژگی می توان *پرسپولیس* مرجان ساتراپی و *لولیتاخوانی در تهران* آذر نفیسی را نام برد. البته بیشتر خاطرات زندان و ادبیات تبعید همراه با اعتراض به وضعیت سیاسی و اجتماعی هستند. *میهن شیشه ای* فرسایی نیز رمانی است با مضمون مهاجرت که در عین اینکه دلالتی و تنهایی زن مهاجر تنها (آذر) را نمایش می دهد، ماجرای دشواری های مهاجرت او را پیش چشم می گذارد که با تصویرهایی هولناک از خاطرات ایران و مسیر مهاجرت همراه است. تقابل دو دنیا هم در این اثر چشمگیر است. درحالی که ایران در معرض حملات موشکی صدام قرار دارد آلمانی ها در هیجان گل های زده در فوتبال هستند. (فرسایی، 1370: 125)

در زیر نام برخی از نویسندگان زن مهاجر ایرانی همراه با اطلاعاتی در مورد مهاجرت شان می آید:
- ویدا حاجبی تبریزی (1314-1395) فعال سیاسی و نویسنده که سالهای 1351 تا 1357 را در زندان شاه سپری کرد. وی همکلاسی فرح پهلوی در مدرسه معماری پاریس بود. او در سال 1361 ایران را برای همیشه ترک کرد.

- مهشید امیرشاهی (1316-) در سال 1357 به فرانسه مهاجرت می‌کند.
- گلی ترقی (1318-) مهاجرت در سال 1360 و هم اکنون مقیم فرانسه است.
- روح انگیز شریفیان (1320-) وی مقیم انگلستان است. از رمان های وی با موضوع مهاجرت: *کارت پستال*، *چه کسی باور می‌کند رستم*.
- شهرنوش پارسی پور (1324-) در سال 1373 مهاجرت کرده و هم اکنون مقیم آمریکا است. وی *خاطرات زندان* (1996 نشر باران⁴) خود از سالهای حبس را دو سال پس از مهاجرت منتشر کرده است. این خاطرات نه فقط درباره خود او بلکه دیگر زندانیان زن هم بند وی است. همچنین رمان *شیوا* را در سال 1378 درباره مسائل و معضلات مهاجرت نوشته است.
- فرشته مولوی (1332-) مهاجرت 1377 مقیم کانادا. آخرین اثر *سنگسار تابستان* 2015 در پاریس منتشر شده.
- منیرو روانی پور (1333-) در سال 1385 مهاجرت به آمریکا.
- فیروزه جزایری دوما (1334-) مهاجرت 1352. مقیم آمریکا و به زبان انگلیسی داستان می‌نویسد. *عطر سنبل*، *بوی کاج از اوست*.
- مرضیه ستوده (1336-) مقیم کانادا مهاجرت 1360. برنده جایزه صادق هدایت برای داستان *تاپ تاپ خمیر* از مجموعه داستان *تیمار غریبان*.
- آذر نفیسی (1334-) نویسنده و استاد دانشگاه ایرانی مقیم آمریکا است. مهاجرت 1376. مشهورترین اثر او کتاب *پرفروش لولیتاخوانی در تهران* است که توجه زیادی را به خود جلب کرد و به 32 زبان ترجمه شد.
- مهرنوش مزارعی (1330-) مهاجرت 1359 *غریبه ای در اتاق من* (1383)
- فهیمه فرسایی (1331-) مهاجرت پس از انقلاب. مقیم آلمان که به دو زبان فارسی و آلمانی می‌نویسد. *میهن شیشه ای* از اوست که در سال 1370 در کلن آلمان منتشر شد. و همچنین یک *عکس جمعی* که در سال 1989 توسط نشر شاهین در آلمان به چاپ رسیده است. درونمایه سیاسی- اجتماعی با رویکردی فمینیستی دارد که برنده بورس ادبی هاینریش بل در سال 1988 می‌شود.
- مهستی شاهرخی (1335-) مهاجرت به پاریس در سال 1365. *شالی به درازای جاده ابریشم* رمان مشهور اوست که در سال 1384 در تهران منتشر شده است.
- سودابه اشرفی (1338-) در سال 1365 ایران را ترک می‌کند و هم اکنون مقیم آمریکا است. به دو زبان فارسی و انگلیسی می‌نویسد. رمان *ماهی‌ها در شب می‌خوابند* و مجموعه داستان *فردا می‌بینمت* از آثار اوست. هر دو اثر از برندگان جایزه گلشیری و جایزه مهرگان ادب هستند.

⁴. این کتاب در سال 2013 به زبان انگلیسی منتشر شده است.

- نهال تجدد (1338-) در سال 1358 به فرانسه مهاجرت می‌کند. وی به زبان فرانسه می‌نویسد. آخرین اثر وی *اوبازی می‌کند* درباره دو زن است. یکی زنی که بیش از سی سال است ایران را ترک کرده و دیگری شیدا شایان که تجربه‌های بودن در ایران پس از انقلاب را دارد.

- مرجان ساتراپی (1348-) مهاجرت 1373. نوشتن به زبان فرانسوی. *مجموعه پرسپولیس* و *داستان خورش آلو با مرغ* از اوست.

نتیجه‌گیری

رایج‌ترین انواع داستانی میان زنان داستان نویس مهاجر خاطره‌نویسی، اتوبیوگرافی و ادبیات زندان است. در بررسی موضوعی این داستانها آنچه به چشم می‌خورد غالباً نوستالژی عمیق برای وطن و دل‌تنگی و تنهایی است. همچنین چون برخی از این نویسندگان مهاجرت اجباری و دشواری داشته‌اند مضمون انتقاد از وضعیت سیاسی اجتماعی ایران هم در آن دیده می‌شود. بدیهی است این نوع انتقادات در آثار آن دسته از نویسندگان دیده می‌شود که برخی یا همه آثارشان را در خارج از کشور به چاپ رسانده‌اند. نویسندگانی چون مهشید امیرشاهی و فهیمه فرسای و مرجان ساتراپی و آذر نفیسی از این دسته‌اند. به همین جهت نویسندگان مهاجر را باید به دو دسته تقسیم کرد: نویسندگانی که آثارشان را در ایران منتشر کرده‌اند و نویسندگانی که آثارشان را در خارج از کشور به چاپ رسانده‌اند.

موضوع شایع داستانهای آن دسته از نویسندگان که آثارشان در ایران منتشر شده و برخی از آنها برنده برخی جوایز داخلی نیز شده‌اند غالباً دل‌تنگی برای وطن و سرزمین مادری و نوستالژی عمیق برای همه خاطرات گذشته است. برخی آثار امیرشاهی، آثار گلی ترقی، روح انگیز شریفیان و سودابه اشرفی از این دست است.

نویسندگان زن ایرانی در حالی قلم زده‌اند که سایه خودسانسوری را به جهت انواع محدودیت‌ها همواره احساس کرده‌اند. محافظه‌کاری و پرداختن محتاطانه به تمایلات و احساسات زنانه نوشتار زنان ایرانی را تحت تأثیر خود قرار داده است. با این حال نویسندگان زن مهاجر- اگر به دنبال انتشار آثار خود و ادامه ارتباط با سرزمینی که آن را ترک گفته‌اند، نباشند- از این امتیاز برخوردارند که آزادانه قلم بزنند و تصویر تازه‌ای از زن نویسنده ارائه دهند. *شیوا* اثر شهرنوش پارسی‌پور نمونه‌ی بارز چنین اثری است.

همچنین این نویسندگان را باید به دو دسته مهاجران پیش و پس از انقلاب تقسیم کرد. آن دسته از نویسندگان مهاجر پیش از انقلاب که معمولاً مهاجرت‌های اجباری داشته‌اند انتقاداتی از رژیم پهلوی و زندان‌های آن را در روایت‌هایشان آورده‌اند. ویدا حاجبی از این دسته نویسندگان است.

دسته‌ای از نویسندگان به اجبار پس از انقلاب و یا در دوران جنگ میان ایران و عراق کشور را ترک کرده‌اند. در میان آثار این نویسندگان نوستالژی عمیقی برای خانه و خانواده و وطن وجود دارد.

برخی نویسندگان هم که به دلخواه و گاه به تبعیت از خانواده از کشور خارج شده‌اند دغدغه‌های سیاسی ندارند و از آن دست نوستالژی نویسندگان دیگر در آثارشان دیده نمی‌شود. *عطر سنبل*، *بوی کاج* نوشته فیروزه جزایری دوما از این دست آثار است که مهمترین مسأله نویسنده جستجوی هویت است. در این اثر نویسنده به تقابل دو دنیای شرق و غرب اشاره می‌کند و مهمترین دغدغه‌اش هم حفظ سنت‌های خانوادگی شرقی ایرانی در مقابل سنت‌های غربی کشور مقصد است. البته به نظر می‌رسد این اثر را باید اثری از نسل دوم مهاجران به شمار آورد. در داستان‌های مهاجرت که بیشتر جنبه سیاسی یا نوستالژی دارند، هویت زنانه در سایه مسائل سیاسی اجتماعی و غم غربت از دیده پنهان می‌شود؛ اما با خارج شدن زنان از فضاهای سیاسی و پشت سر گذاشتن مرحله سوگواری پس از جدایی از وطن و رسیدن به آن سطح از خودآگاهی که بتوانند بدون شرم، ترس و سانسور قلم بزنند، خود حقیقی

ظاهر می‌شود؛ «خود»ی که حیات خود را مدیون اقامت در سرزمین میزبان و مهاجرتی اغلب اجباری است. این ویژگی در میان نویسندگان نسل دوم بیشتر به چشم می‌خورد.

فهرست منابع

- امیرشاهی مهشید (1995) در سفر، برگرفته از سایت:

<http://www.amirshahi.org/Roman/Safar/fehrest.htm>

- احمدزاده شیده (1391) مهاجرت در ادبیات و هنر، مجموعه مقالات نقدهای ادبی- هنری، تهران: سخن.
- ترقی گلی (1394) دو دنیا، چاپ هشتم، تهران، انتشارات نیلوفر.
- جزایری دوما فیروزه (1390) *عطر سنبل، بوی کاج*، مترجم محمد سلیمانی نیا، چاپ چهارم، تهران: نشر قصه.
- حسینی مریم (1384) *روایت زنانه در داستان نویسی زنانه*، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره تیر، صص 94-101.
- شاهرخی مهستی (1374) *شالی به درازی جاده ابریشم* (بخشی از رمان)، مجله کلک، شماره 67. صص 186-189.
- شریفیان روح انگیز (1390) *چه کسی باور می‌کند رستم*، چاپ نهم، تهران: ققنوس.
- شریفیان روح انگیز (1390) *کارت پستال*، چاپ نهم، تهران: انتشارات مروارید.
- فرسای فهیمة (1370) *میهن شیشه ای*، کلن: انتشارات شاهین.
- فرسای فهیمة (1368) *یک عکس جمعی*، کلن: انتشارات شاهین.
- مدرسی تقی (1393) *زبان و مهاجرت*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مزارعی مهرنوش (1382) *غریبه ای در اتاق من*، تهران: آهنگ دیگر.